

جلسه هفتم روح و غذای روح

«روح و غذای روح ۲»

۱- روح و غذای روح ۲

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ آلِ اللَّهِ لَا سِيَّمَا عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ وَاللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ».

۲- اهمیت جدا نمودن حساب روح از بدن

جدا کردن روح از بدن که صد درصد باید معتقدین به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و قرآن اول کاری که می کنند

این باشد که حساب روحشان را از بدنشان جدا کنند مخلوط کردن این دو خیلی مصیبت به بار می آورد و بلکه اگر روح انسان تحت تأثیر بدنش واقع بشود مرگش حتمی و انسانیتهش از بین می رود اول کاری که ارتباط روح با بدن اگر زیاد باشد و بدن تحت تأثیر روح و یا روح تحت تأثیر بدن واقع شود اول چیزی که بسیار مشکل ایجاد می کند آن غذای روح و بدن است که ما در زندگی این دو مسأله را با هم مخلوط کردیم حتی تا جایی که دیده شده و شاید در بین خودمان هم این مسأله مطرح باشد که فلان چیز را بخوریم تا روحمان به کمال برسد یک غذایی یا مثلاً اگر غذایی حرام بود و من اطلاع نداشتم روی موازین شرعی برای من حلال باشد ولی در واقع

نجس بود یا حرام بود اکثراً آنچنان روحشان تحت تأثیر بدنشان واقع شده که می‌گویند اون حرام واقعی که من اطلاع ندارم در روح انسان تأثیر دارد که من در کتاب در محضر استاد این مطلب را خوب توضیح دادم و استدلال کردم و شاید همه شماها استدلالش هم بلد باشید و کاملاً برایتان واضح باشد و تأثیر غذای حرام، حرام واقعی بدون اطلاع مثلاً شخص خورنده در روحش هیچ تأثیری ندارد. هر چه می‌توانید باید روح را جدا، کارها و برنامه‌هاش را جدا و بدنتان را جدا به حسابشان برسید البته گاهی می‌شود که بعضی افراد روحشان خیلی ضعیف است تحت تأثیر بدنشان واقع می‌شود و گاهی هم می‌شود که

بدن تحت تأثیر روح قرار می‌گیرد. اینکه عرض می‌کنم باید بدن تحت تأثیر روح واقع می‌شود حالا این‌ها همش حرف دارد.

۳- ولایت، مهم‌ترین غذای روح

آنچه که امروز می‌خواهم عرض کنم غذای روح است با مقایسه با غذای بدن. در بدن انسان بدن فیزیکی انسان با اصطلاح در مرحله اول مهم‌ترین غذایی که برایش لازم است و مفید است آب است. در بدن این طور است یعنی انسان ممکن است چهل روز غذا نخورد همین طوری که این آب درمانی‌ها این کار را می‌کنند ولی اگر سه روز آب نخورد می‌میرد. مهم‌ترین غذا برای بدن انسان آب است. برای روح انسان هم یک همچنین

مسأله‌ای هست. مهم‌ترین غذای روح معرفت خدا و ولایت است. یعنی اگر بخواهیم مقایسه کنیم معرفت پروردگار و ولایت در حکم آب یا در حکم هوا هست. من چون درباره غذا صحبت می‌کنم لذا هوا را مطرح نکردم به خاطر اینکه در یک حدیث هست که یعنی نه یک حدیث، احادیث مختلف متعددی هست شاید در حد تواتر باشد که ائمه اطهار علیهم‌السلام فرموده‌اند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ»^۱ اسلام، اسلام یعنی همان تسلیم شما، همان مطیع بودن شما، همان ولایت داشتن شما، بر پنج چیز بنا گذاشته شده است، «عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةِ» چون روایاتش

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۰

مختلف است صوم هم هست جهاد هم هست زکاتم هست
که بعضی‌هاش صوم ندارد بعضی‌هاش حج را ندارد به هر
حال این پنج‌تایی که در احادیث گفته‌اند چهارتایش ممکن
است اختلاف داشته باشد ولی در تمام روایات پنجمی ولایت
است. ولایت یعنی چه و بعد هم چه خصوصیتی دارد؟ «لَمْ
يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»^۲ به تعبیر من این غذا و تغذیه‌ای
که انسان به وسیله ولایت می‌کند برای روحش با هیچ چیز
دیگر این تغذیه را نمی‌کند. امام در همین جا استدلال
می‌فرمایند: که نماز را در مسافرت کم می‌کنید می‌شود کمتر
نماز خواند می‌شود، نماز شکسته می‌شود، زن‌ها زمان حیض

۲ - جامع الاحادیث - الکافی ج ۲، ص ۱۸

نماز نمی‌خوانند، مثلاً زکات را همه کس لازم نیست بدهد، آن‌هایی که مثلاً غلات اربعشان یا انعام ثلاثه یا نقدین این‌ها به حد نصاب برسد زکات باید بدهند، پس همه زکات لازم نیست بدهند. روزه کسی که مریض است روزه نمی‌گیرد، حج کسی که مستطیع نیست حج نمی‌رود. اما ولایت را نمی‌شود بگوییم کم داشته باشیم، زیاد داشته باشیم، یک وقت بعضی‌ها نداشته باشند نه همه باید ولایت را داشته باشند. ولایت چه هست؟ ولایت آنقدری که ما تحقیق کردیم در گذشته و مکرر هم گفتم اطاعت خدا و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی بن ابیطالب علیه السلام و معصومین علیهم السلام با محبت. اطاعت بدون محبت ولایت نیست. محبت بدون اطاعت هم

ولایت نیست. این دو وقتی که محبت زیاد می‌شود در اثر محبت، انسان اطاعت بکند این را می‌گویند ولایت. بنابراین بالاترین و لازم‌ترین غذای روح شناختن موالیانی است که انسان موالیش را بشناسد و اطاعت کند و محبت داشته باشد. موالیان ما چه کسانی هستند؟ موالی ما ولی ما خدا هست بدون حرف و هیچ کس و هیچ چیز مولای ما مستقلاً و بالاصاله نیست جز خدا. این یک غذایی است که بسیار پُر ویتامین و بسیار مقوی شاید پنجاه درصد غذای ما مثل آب همین مسأله شناختن خدا و ولایت خدا را داشتن است.

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا»^۳ ببینید وقتی که می‌گوید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» فوراً بعد می‌فرماید: «يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» اینقدر این غذای روح غذای کافی و سالمی است که حتی «ثم» نمی‌آورد در اینجا «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم» آخه یا ممکن است «ثم» باشد یا «واو» باشد یا «ک» باشد که بعد از مهلتی هر کدامش یک مهلتی دارد «ثم» مهلتش بیشتر است این‌ها را ندارد لازم است و قطعاً و بدون هیچ معطلی تا ولایت خدا را شما پذیرفتید تا این مسأله مسلم شد که «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» فوراً «يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» از ظلمت روح انسان وقتی که در ظلمت است گرسنه است، وقتی که در

۳ - سوره بقره، آیه ۲۵۷

ظلمت است ناقص است. شما در ذهنتان نرود روی گرسنگی
بدنی ولو که ذهن هم برود هر دو با هم تطبیق می کند. وقتی که
انسان در ظلمت ظاهری هست هیچ چیز را نمی بیند، جلوی
پاش را نمی بیند حتی اگر اطرافش پر از غذاهای بسیار خوب
هم باشد چون نمی بیند استفاده نمی تواند بکند. شما در یک
اتاقی باشید سفره مفصلی هم انداخته باشند همه مدل هم
غذا گذاشته باشند اما اتاق تاریک است شما یک گوشه
نشستید نمی دانید که اینجا غذا هست تا چراغ روشن شد
می بینید عجب غذاهایی در اطرافتان هست انسان تا از
ظلمت بیرون نیاید به هیچ چیز نمی رسد، به هیچ کمالی
نمی رسد و لازمه از ظلمت بیرون آمدن چه هست؟ فهمیدن

اینکه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» فهمیدن این است که خدا ولی شماست. خدای تعالی شما را در آنجا از ظلمت بیرون می‌آورد و وارد نورتان می‌کند و همه چیز را آن وقت درک می‌کنید. قلبتان مملو از نور حقیقت می‌شود پس اول چیزی که انسان باید برای این غذا، برای این زندگی، برای روحش، برای غذای روحش به فکر باشد شناختن خدا است. هر چه هم بیشتر و بهتر خدا را بشناسد بهتر ولایتش را قبول می‌کند و وقتی ولایتش را قبول کرد وارد نور می‌شود همه چیز را می‌بیند و از همه چیز استفاده می‌کند. ولایت پیغمبر و علی بن ابیطالب علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام هم در پرتو ولایت خدا است. ببینید علی بن ابیطالب علیه السلام خودش

ولی خدا هست یا مثلاً پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله ولی خدا هست، یعنی فرمانبردار با محبت خدا است.

اگر انسان بتواند این غذا (ولایت) را برای خودش تهیه کند زنده است اما اگر نتوانست مرده است بدون تردید مرده است. نمی شود یک انسانی بدون هوا و آب زنده باشد همین طور هم نمی شود بدون معرفت خدا و ولایت خدا و فهمیدن اینکه خدای تعالی ولیّش هست نمی تواند زنده باشد می میرد. اینکه می بینید بعضی ها واقعاً نمی فهمند، واقعاً غافل هستند، واقعاً درک ندارند برای اینکه غذای روحشان کافی نبوده یا اگر خدا شناسم هستند باز می بینید آن غذایی که باید بخورند نخوردند، یک آب آلوده ای خوردند یک آشامیدنی مسمومی

خوردند برای اینکه این آبی که این‌ها آشامیدند این از سرچشمه کوثر نبوده ما باید آب را از کوثر بخوریم، آب ولایت را از کوثر بخوریم غذایمان باید آن آب پاک «لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا»^۴ «مَاءً غَدَقًا» یعنی چه؟ یعنی آب پاک بدون هیچ آلودگی. چه بسا انسان یک آشامیدنی را می‌خورد ولی مریض می‌شود. در غذاهای مادی یعنی غذای بدن این آلوده هست غذایی است آبی است که از فاضلاب‌ها و واقعاً فاضلاب باید اسمش را گذاشت می‌آید و انسان خوشش می‌آید و می‌خورد. این سخنانی که غیر از کلمات ائمه هست هر چه باشد غیر از کلمات ائمه علیهم‌السلام هست شما می‌خواهید از راه دیگری

۴ - سوره جن، آیه ۱۶

غیر از قرآن و روایات خدا را بشناسید و غذایی برای روحتان
تهیه کنید اینها آلوده است آنقدر هم آلوده است که گاهی
انسان را واقعاً می‌کشد حالا نمی‌خواهم توضیح بدهم که چقدر
غذاهای آلوده یعنی آب آلوده را، همین غذای مهم روح را
چقدر به طرف ما الان سرازیر است و چقدر باید انسان
حواسش جمع باشد گاهی یک میکروب وبا داخل آب هست
یک شهری را می‌کشد یک مقداری سم در آب ریخته باشند
آب حتی امام را می‌کشد حتی امام حسن مجتبی علیه السلام
را شهید کرد همان سمی که داخل کوزه آب ریختند ماها باید
حواسمان خیلی جمع باشد آبی که مهم‌ترین غذای روحمان

است که آب ولایت است «مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ»^۵ که آن شاعر گفت: ماء ماء ولایت است بله آن هم ولایت خدا آن هم محبت و اطاعت پروردگار که «يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^۶ این آب باید آبی باشد که از سرچشمه کوثر بیرون آمده باشد. کوثر چه هست؟ مکرر گفتم کوثر کلمات حکمت آمیز خدا هست که به فاطمه زهرا سلام الله علیها تعلیم فرموده و همه ائمه هم از همین کوثر استفاده می کنند و به مردم آن آب غدق را می دهند و هیچ آلودگی هم نباید داشته باشد یعنی آلوده اش را ما نباید بکنیم یعنی گاهی می شود از همین کوثر همان آب

۵ - سوره انبیاء، آیه ۳۰

۶ - سوره بقره، آیه ۲۵۷

سالم تمیزه بدون میکروب آمده در زندگی ما ولی ما کثیفش کردیم مثلاً چطور؟ حکم خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام حکمت‌هایی که از ناحیه آن‌ها به صورت روایات و به صورت آیات قرآن آمده دست فلان فیلسوف رسیده، دست فلان دانشمند رسیده به عنوان اینکه فلسفه یونان را با روایات التقاط کند، قاطی کند، با هم بسنجد، با هم یکی‌شان کند. نشسته و روایات را ای کاش آن‌ها را با این‌ها تطبیق بدهد روایات را با آن‌ها تطبیق داده این مخلوط کردن التقاط یعنی مخلوط کردن این التقاط خیلی مسأله مهم است همین که التقاط کردن یک مقدار آب حالا نمی‌گوییم آب زهر که اسم واقعیش زهر است آب نامعلوم غیر از کوثر. این آمده مخلوط

کرده با چه؟ با آب غدقی که خدای تعالی از سرچشمه علم ذاتی خودش در قلب فاطمه زهرا و پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه اطهار علیهم السلام سرازیر کرده این خیلی مهم است.

۴- طریقه استفاده از آب ولایت

حواسمان باید جمع باشد حیات ما یک غذای مهم زندگی ما حیات ما آب ولایت پروردگار و خاندان عصمت علیهم السلام و همین که مقید بودن و محدود بودن و پابند بودن را بگویند حتی متعجّد بودن به قرآن و روایات و استنباط افرادی که البته استنباط. استنباط یعنی تلمبه زدن از داخل مخزن علم یک

افرادی باید این آب را استخراج کنند و داخل لیوان بکنند به شما بدهند آن چه کسی هست؟ آن کسی که می‌تواند این کار را بکند «مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ» اولاً فقیه فہیم باشد یعنی دین را بفہمد. ہر کس یک دورہ کہ سطح حوزہ را خواند فقیہ نیست. ہر کس دہ دورہ صد دورہ درس خارجہ را خواند فقیہ نیست چون ممکن است نفہمد دین را، حقیقت دین را درک نکند آن «مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ»^۷ بعد مراحل تزکیہ نفس را گذرانده باشد دیگر توضیح نمی‌خواہم بدہم. همان طوری کہ در ہفتہ‌ہای قبل گفتم کہ شفاعت باید بہ اذن خدا باشد، اذن داشتہ باشی از طرف پروردگار. یک استاد می‌خواہد برود در دانشگاه درس

۷ - وسائل الشیعہ، ج ۱۸، باب ۱۰، ح ۲۰

بدهد این باید اجازه داشته باشد برود داخل دانشگاه درس
بدهد اگر یک عالم می‌خواهد یک درسی برای یک عده‌ای
بدهد درباره توحید صحبت کند، درباره ولایت صحبت کند،
درباره مسائل مختلف صحبت کند این اجازه‌اش باید مسلم
باشد حالا می‌گویید که چه کسی اجازه داده؟ چه کسی اجازه
می‌دهد؟ اجازه‌اش این است که از محدوده آیات و روایات
خارج نشود، این آبی که برداشته و می‌خواهد بدهد به افراد
بیاشامند داخلش آب دیگری مخلوط نکند آنچه که خدا گفته
بگوید آنچه که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه اطهار
علیهم‌السلام گفتند بگوید. این طور برنامه‌ای باید انسان داشته
باشد.

بنابراین اول غذایی که انسان برای روحش لازم است ولایت است. ولایت، ولایت خدا، ولایت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله، ولایت ائمه اطهار علیهم السلام اینها یک آبی یک آب ولایتی برای انسان تهیه کردند که تا انسان خورد همان طوری که از امام صادق علیه السلام پرسیدند آب چه مزه‌ای دارد؟ حضرت فرمود: مزه حیات می‌دهد و واقعاً بسیار تعبیر جالبی است. حیات بخش است برای بدن انسان. انسان تا در بیابانی واقع نشود تشنگی زیادی نبیند نمی‌فهمد آب یعنی چه؟ همین طور هم تا آن تاریکی‌های جهل که «وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا»^۸ در آن جهل

۸ - سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

زمان جاهلیت که همه‌اش رسومات حاکم بر مردم بود حتی رسوماتی که کشنده بود برایشان. بعضی رسومات واقعاً کشنده بود رسم بود که دخترش را داخل خاک بکند با دست خودش. رسم بود که فرزندش را بکشد «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ»^۹ رسوماتی داشتند که همه‌شان مخالف بودند همه‌شان از آن رسومات فرار می‌کردند در عین حال داخلش می‌افتادند. این‌ها را با ولایت و اطاعت از خدا و پیغمبر از این تاریکی‌ها، از این تاریکی‌های جهل، از این تاریکی‌های رسومات نجات پیدا کردند و به نور رسیدند «يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^{۱۰}

۹ - سوره اسراء، آیه ۳۱

۱۰ - سوره بقره، آیه ۲۵۷

الآن متأسفانه ما باز هم رسومات را داریم، حواتان جمع باشد،
داریم می‌افتیم داخل همین رسومات. رسوماتی که از آن فرار
می‌کنیم عید نوروز می‌بینی تهران خالی می‌شود به خاطر اینکه
مهمان می‌آید، فلان می‌شود، رسم است چه بکنیم چه نکنیم،
بهتر این است که فرار کنیم، بهتر این است که برویم یک
جایی. دید و بازدید خوب است محبت خوب است اما تا
جایی که اسباب دردسر برای همدیگر نباشد. از روی آتش
پریدنش که اصلاً خوب نیست. رسومات دیگری که همین طور
شما بنشینید با خودتان بررسی بکنید ببینید چه رسوماتی در
زندگی‌هایتان هست، چقدر دست و پا گیر هست. از لباس‌تان
گرفته تا خانه‌تان تا ماشین‌تان تا دید و بازدیدتان تا قوم و

خویشاوندانتان همه یک مِشت رسومات دست و پا گیر عین
زمان جاهلیّت نمی شود آقا! مگر می شود این کار را نکرد!
نمی شود و مگر می شود و این حرف ها. عین همان وقت هایی
است که مگر می شود که آدم دخترش را داخل خانه بزرگ بکند
مگر می شود که انسان دختر داشته باشد با این کم پولی که ما
داریم این بچه هایی که متولد شدند این ها باید کُشتشان و از
بین بردشان آن ها همین ها را می گفتند: رسم است! یعنی که
هر چیزی که تحت ولایت پروردگار نباشد تحت ولایت خاندان
عصمت علیهم السلام نباشد هر چه می خواهد باشد مثل
همان دختر زیر خاک کردن است فرقی نمی کند به جهت
اینکه روی چه اساسی تو داری این کارها را می کنی و به طور

کلی برگردم به مطلب اولم. به طور کلی هر چیزی که انسان را رشد بدهد غذای انسان است. خدا شناس و ولی خدا با یک آدم جاهلی که تحت تأثیر رسومات واقع شده خیلی فرقش هست. این زنده است آن مرده است شما می‌گویید: چطور مرده است؟ خب ببینید. ببینید چطور مرده است اگر بخواهم دقیقاً بگویم که چطور مرده است و توضیح بدهم همین خودمان را هم شامل بشود و من خجالت می‌کشم بگویم. تحت تأثیر ولایت پروردگار انسان باید واقع بشود خدا چه گفته است؟ همان را من انجام می‌دهم.

کسی که می‌خواهد به سوی خدا حرکت کند باید اول کاری که می‌کند ولایت الهی را قبول بکند این غذا را بخورد والا مرده

است و مرده هم جز تعفّن دیگر هیچی ندارد. افرادی هستند متعفّن واقعاً متعفّن خودشان را هم مسلمان می دانند خودشان را هم انسان می دانند! اول کاری که انسان می کند باید از این آب باصطلاح که در آیات قرآن هست ماء حیات، از این آب ولایت استفاده بکند خودش را زنده بکند از ظلمت به نور ببرد، با این غذا رشد کند دارای یک رشدی باشد، یک ارزشی باشد، بعد در راه تزکیه نفس قدم بردارد. بنابراین اول غذای روح انسان که انسان را زنده می کند به کمالی شاید پنجاه درصد کمالات را این غذا تأمین می کند مسأله ولایت الهیّ است، ولایت خاندان عصمت علیهم السلام است، ولایت امام عصر ارواحنا فداه است

۵- در دسترس بودن غذای روح

بعد هم در هفته گذشته عرض کردم که انسان در هر کجا که باشد غذای روح در اطرافش هست می تواند غذا برای خودش تهیه بکند شما اگر در یک بیابان کویری باشید ممکن است از گرسنگی و تشنگی بمیرید بدنتان بمیرد اما هیچ جای دنیا کویری نیست برای روحتان هیچ جای دنیا یعنی گفتم یک برگ درخت، برگ درخت را برمی دارید نگاه می کنید روش فکر کنید اینکه «تفکر ساعة خیر من عبادة سبع سنة»^{۱۱} از هفت

۱۱ - بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۳

سال عبادت ارزش دارد. فکر یک ساعت برای همین هست
غذای روحتان است.

۶- پرهیز از غذاهای شکم پرکن

عبادت ممکن است اصلاً غذائیت نداشته باشد بعضی
غذاها هست برای بدن انسان غذائیت ندارد شکم پر می‌کند.
بعضی از همین عبادت‌هایی که ماها می‌کنیم ممکن است
غذائیت نداشته باشد فقط آدم دلش خوش است که عبادت
کرده افرادی هستند من مکرر دیدم شماها هم دیدید حتی
یکسره نماز می‌خوانند روزه می‌گیرند حج می‌روند دنیا از بین
برود این‌ها کار خودشان را دارند می‌کنند صفات رذیله هم

دارند اصلاً رشدی پیدا نکردند اکثر دعاها را حفظ هستند حتی ولی هیچ صفتی از صفات رذیله نیست که در اینها نباشد من می‌گفتم یک وقتی تو حرم حضرت رضا علیه السلام بودم یک نفری را که من مدت‌ها می‌دیدم نماز شب می‌خواند اول کسی است وارد حرم می‌شود نمازهایش را اول وقت می‌خواند چه؟ می‌آمد یک سجاده‌ای می‌انداخت گوشه حرم مشغول بود تا اول آفتاب. یک شب یعنی بین الطلوعینی بود یک سجاده بزرگی هم داشت او رویش نشسته بود داشت عبادت می‌کرد نماز می‌خواند نماز شبش را می‌خواند و اینها یک بنده خدایی آمد پاش را گذاشت روی سجاده این حالا در نماز چقدر تقلّا کرد که این را از روی سجاده‌اش دور کند که

اینجا ملک من هست و تو چرا پا تو گذاشتی و این ها به او هم
ضرری نداشت این متوجه نشد و هی «الله اکبر» «الله اکبر»
یعنی شما حساب بکنید این نماز چقدر غذائیت برای روح او
دارد؟! بعد هم که نمازش تمام شد بلند شد سر زانو گفت:
حرام زاده از روی سجاده من برو آن طرف این قدر دارم اشاره
می کنم شما ببینید این نماز همین دو رکعت نمازی که این
الان خواند، این چقدر غذائیت برای این روح دارد، باید روح
انسان او رشد بدهد اگر یک کسی آنجا حاکم شرعی چیزی
می بود می خواست این را بخوابانند هفتاد تا شلاقش بزنند
دقت کردید و امثال این ها ما زیاد داریم وقتی من طلبه بودم
هنوز سنم کم بود مقید بودم بروم حرم حضرت معصومه

سلام الله عليها و یک نفری بود این می آمد فوت کرد خدا
رحمتش کند ان شاء الله اگر خدا صلاح می داند این نشسته بود
پهلوی من خیلی حال خوبی و توجهی و اینها قبل از اذان
صبح بود گریه می کرد و حالی داشت خیلی هم من خوششم
می آمد من دیدم نماز جماعت می خواهد شروع بشود اذان
صبح نماز جماعت بود. دست و پام را جمع کردم می خواستم
که بروم مفاتیح را برداشتم بگذارم بروم برای نماز جماعت به
من با تندی گفت: نروی پشت سر این گردن کلفت نماز
بخوانی آقا یکی از مراجع معروف یعنی چه؟ گفت: این تا حالا
خوابیده حالا آمده می خواهد ماها که از یک ساعت به اذان
صبح اینجا بیداریم برویم پشت سر او نماز بخوانیم، گفتم:

شاید ایشان تو خانه‌اش نمازش را خوانده گفت: نه چشماش را
بین پف کرده این الآن از خواب بیدار شده بعد هم به من
گفت: تقوا این است که اشک‌های چشمش را روی مفاتیح
نشان می‌داد این چقدر این دعا خواندن برای او غذائیت دارد؟
چقدر او را رشد داده است؟ هم غیبت کرد، هم تهمت زد، هم
به یک سید اولاد پیغمبری، مرجع تقلیدی جسارت کرد و هم
عُجب کرد، این‌ها همه هر کدامش یک مرضی است که او را
می‌کشد و این دعا خواندن‌ها هم هیچ فایده‌ای ندارد وقتی که
دعا می‌خوانید باید طوری باشید که کاملاً خدا را در نظر
بگیرید وقتی که خدا را و ولایت پروردگار را در نظر گرفتید شما
را از تاریکی‌ها این‌ها تاریکی‌ها هست، چون ببینید من برایتان

شرح می‌دهم که چطور تاریکی هست. همین شخص را منظور کنید این شخص اول تاریکی که دارد این است که توجهی به آیات قرآن ندارد که خدای تعالی در قرآن فرموده: «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا»^{۱۲} بعضی‌تان بعضی دیگر را غیبت نکنید شما داری هم غیبت می‌کنی هم سوءظن داری هم عجب داری این معلوم است که در تاریکی‌های مختلف که نمی‌بینی حقیقت را افتادی و از همه مهم‌تر من آخرین حرفی که این گوشه عبای من را گرفته بود و نمی‌گذاشت من بلند بشوم آخرین حرفی که من به او زدم گفتم: من پشت سر علمای اهل سنت وهابی در مکه برای

۱۲ - سوره حجرات، آیه ۱۲

حفظ وحدت نماز می خوانیم حالا تو نمی گذاری من اینجا
بروم پشت سر این آقای شیعه متدین نماز بخوانم؟

کوشش کنید که غذایی که می خورید شکم پُرکن نباشد ما این
ذکر «یا قوی» را که در استقامت می دهیم به افراد، شکم پُرکن
نباشد، ذکر «یا تَوَّاب» شکم پُرکن نباشد. بعضی ها چرت می
زنند یا قوی یا قوی یا قوی این نباشد هر یک کلمه یک دفعه که
می گوید یا قوی یک دستی به دامن قدرت پروردگار انداخته
باشید و یک پله رفته باشید بالا این ارزش دارد این غذای
روحان هست همین طور که نمی شود یک لقمه غذا بخورید و
یک نیرویی نگیرید بدنتان یک نیرو نگیرد یا مثلاً اگر خیلی
تشنه هستید یک لیوان آب بخورید و بدنتان نیرو نگیرد همین

طور این اذکار باید نیرو بدهد به شما این عبادت‌ها نیرو بدهد به شما. سوره کهف را که گاهی صحبت شده باید بخوانید چرا انتخاب شده سوره کهف. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» سه مرتبه که بخوانی مثل اینکه ختم قرآن خواندی بعضی از غذاها هستش که حجمش کم است ولی نیروش زیاد است.

۷- قضایای سوره کهف برای استقامت

برای اینکه چهار تا قضیه خدا در سوره کهف بیان می‌کند مربوط به استقامت، مربوط به صبر اول قضیه خود اصحاب کهف، خیلی مقاومت می‌خواهد، خیلی انسان قوی می‌خواهد یک روح بسیار قوی لازم هست که بتواند ریاست،

ثروت، زن و فرزند همه را ترک کند برای خدا، برود در غار زندگی کند. اینجا هست که خدای تعالی به این‌ها می‌فرماید: «فَتِيَّةٌ»^{۱۳} جوانمرد. خدا به یک کسی بگوید جوانمرد. جوانمردان «آمَنُوا بِرَبِّهِمْ» این‌ها به پروردگارشان ایمان آوردند تصدیق ایمانشان را خدا بکند غذایی خوردند در معرفت پروردگار که آنچنان نیرومند که خدای تعالی به شجاعت آن‌ها، به شخصیت آن‌ها صحّه گذاشته و بعد هم آن‌ها خوابیدند و خدا به پشتیبانی‌شان رفته که اگر ما این طوری باشیم یک همچین غذای استقامتی بخوریم و ولایت را قبول بکنیم پروردگار متعال چه ما خواب باشیم چه بیدار غذا به ما می‌دهد در ماه رمضان

۱۳ - سوره کهف، آیه ۱۳

مگر نمی‌گویید: «وَنُؤْمِكُمْ فِيهِ عِبَادَةً»^{۱۴} خوابتان عبادت است. بخواب ما برای عبادت می‌نویسیم. اصحاب کهف سیصد سال خوابیدند یک ذره از ارزش‌شان، شخصیت‌شان پایین نیامد که بماند خدای تعالی این‌ها را بالا آورد.

قضیه دومی که در سوره کهف هست قضیه ذوالقرنین است. برای خدا اگر پیش آمد تمام کره زمین را بگیری بگیر برای خدا ذوالقرنین از مشرق عالم تا مغرب عالم را گرفت قدرتمند قوی برای خدا خلاصه ببینید این دوتا را کنار هم بگذارید چون امت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله باید «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا

۱۴ - وسائل الشيعة، ج ۱۰، ص ۳۱۴

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً»^{۱۵} باشند این دوتا را بگذار پهلوی هم
آنقدر قوی که برای خدا تمام دنیا را ترک می‌کنی و آنقدر قوی
که برای خدا تمام مسئولیت دنیا را به عهده می‌گیری «لِكَيْلَا
تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ»^{۱۶} ببینید این معنای
غذای روح است.

قضیه دیگری که در سوره کهف هست قضیه حضرت موسی و
خضر است. همان ولایت. ولایت پذیرفتن. همین امروز یک
کسی از دوستان را بردن سربازی این شکایت می‌کرد که آنجا
همش باید بگوییم: چشم افسر می‌گوید: همچین بکن،

۱۵ - سوره بقره، آیه ۲۰۱

۱۶ - سوره حدید، آیه ۲۳

می‌گویم: چشم، هم‌چین بکن می‌گویم: چشم، گفتم: خوب هست، خیلی خوب هست کاشکی رفقا هم یک هم‌چین برنامه‌ای می‌داشتند. آدم باید تمرین بندگی را کند. از بچگی هرچه به ما گفتند حتی پدرمان اگر یک چیزی به ما گفته، ما در جواب گفتیم: حالا ببینیم چه طوری می‌شود! هرکسی به ما حرف زده گفتیم: اگر دلمان خواست انجام می‌دهیم. چنین آدمی بنده خدا نمی‌شود، برای اینکه به خدا هم همین را می‌گوید. حالا آمد خدا با او صحبت کرد و خدای تعالی یک مأموریتی به او داد که فلان کار را باید بکنی «اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا»^{۱۷} برو طرف فرعون لازمه با نرمی

۱۷ - سوره طه، آیه ۴۳ - ۴۴

صحبت کردن این است که یک مقداری آدم به او هم بگوید چشم، لازمش این است به خدا بگوید چشم، چرا حضرت موسی به خدا گفت چشم به خاطر اینکه هشت سال به شعیب گفت: چشم تا سن جوانی به همین فرعون گفت: چشم والا حضرت موسی را در خانه فرعون نگه نمی داشتند، یک خرده ای مخالفت می کرد نگه نمی داشت، گفت: چشم. مؤمن آل فرعون آمد گفت: «إِنَّ الْمَلَائِئِیَآتِیْمِرُونَ بِكَ لَیْقُتِلُوكَ فَاخْرُجْ اِنِّیْ لَكَ مِنَ النَّاصِحِیْنَ»^{۱۸} حضرت موسی گفت: چشم، نگفت: من پسر فرعونم چه کسی جرأت دارد حرف بزند. گفت: چشم آدم باید تمرین چشم گفتن را بکند. به آن دوستان که سربازی

۱۸ - سوره قصص، آیه ۲۰

رفته بود گفتم: خیلی خوب است، اصلاً تعجب کرد این
سربازی چیز خوبی است یعنی یک مدتی اقلأً به یک افسری
که خوشتم از او نمی‌آید، از قیافش خوشت نمی‌آید، باید به او
بگویی چشم. گفت: روز اول به من گفتن سر و صورت را باید
با ماشین چهار بزی، من چه کار کنم؟ گفتم: بگو چشم، چشم
عیبی ندارد. انسان باید بگوید چشم.

حضرت موسی با خضر تمرین چشم گفتن را کرد. ما باشیم
می‌گوییم: اولاً ما پیغمبر اولوالعزم هستیم و ایشان رسالتش
معلوم نیست تا چه برسد به اولوالعزم بودنش، برو مرد حسابی
کارهای به خلاف کردنشان، «إِنَّكَ» حضرت خضر با آن
سنگینی که برخورد کرد با حضرت موسی که «إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ

مَعِيَ صَبْرًا»^{۱۹} تو نمی‌توانی با من صبر کنی! چطور می‌توانی صبر کنی به چیزی که علمش را نداری تو نمی‌فهمی! به این تعبیرات بود، تو نمی‌فهمی. حضرت موسی به ایشان برنخورد راه افتاد دنبال حضرت خضر، بین چقدر انسان باید استقامت داشته باشد، این سوره را برای همین جهت انتخاب کردند.

قضیه چهارم آن دوتا دوست بودند که وارد باغ شدند یکی‌شان که مؤمن بود و یکی‌شان مثل اکثر مردم که چشمان به یک زرق و برقی که می‌افتد یک قدری خودمان را می‌گیریم، به قول بعضی‌ها یک قرون‌مان دوهزار نمی‌شود خودمان را گم می‌کنیم،

۱۹ - سوره کهف، آیه ۷۵ -

مخصوصاً در مقابل حقایق و خدا و معنویات و این‌ها که اکثراً اطراف پیغمبران و بخصوص پیغمبر اسلام افراد کم پول فقیر بودند که «أَرَادِلُنَا بَادِي الرَّأْيِ»^{۲۰} اسمشان را رذل گذاشته بودند افراد فقیر و ثروتمندان نمی‌آمدند می‌آمدند مثل آن ظاهراً خود عثمان بوده حالا یا رجل من بنی‌امیه که وقتی آمده بود خدمت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله. پیغمبر هم خب اصرار داشت هر کسی که وارد می‌شود او را هدایت کند پهلوی پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نشسته بود ابولهب و أم مكتوب آمد پیرمردی بود کور بود مؤذن پیغمبر بود اهل تقوا بود ولی خب از نظر ظاهر لباسش خوب نبود، ظاهرش به مثل آدم فقیری می‌خورد، او

۲۰ - سوره هود، آیه ۲۷

نشست پهلوی همین رجل من بنی امیه که همان عثمان شاید بود چون در روایتی دارد عثمان بوده این خودش را جمع کرد و یک نگاهی به او کرد و آیه نازل شد «عَبَسَ وَ تَوَلَّى * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى»^{۲۱} رو در هم کشید صورتش را برگرداند وقتی که کوری بر او وارد شد «وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَظُنِّي»^{۲۲} تو چرا به پولت مغرور شدی؟ «لَعَلَّهُ يَظُنِّي» شاید او تزکیه کرده باشد «لَعَلَّهُ يَظُنِّي» تازه اگر حتماً تزکیه کرده باشد که اصلاً تو آدم نیستی او آدم است تو مرده‌ای و او زنده است. تو انسان نیستی و او انسان است. پول زیاد و مال زیاد که انسان را انسان نمی‌کند. خیلی‌ها مثل

۲۱ - سوره عبس، آیه ۱-۲

۲۲ - سوره عبس، آیه ۳

قارون آنقدر ثروت داشت که کلیدهای گنج‌هایش را مردان قوی از این طرف و از آن طرف می‌بردند این طوری بود به خاطر اینکه این شخص از نور رفته به طرف ظلمت، از قوم و خویش حضرت موسی بود، با حضرت موسی رفیق بود، از بنی اسرائیل بود، از دوستان حضرت موسی بود آمده تا جایی که با حضرت موسی مبارزه می‌کند، لذا خدای تعالی به او گفت: که هم مالت هم خودت باید در زمین فرو برود و داخل زمین هم فرو رفتند. این طوری می‌شود.

۸- اهمیت ولایت در غذای روح

پس ان شاء الله یک مطلب مهمی که امروز حالا در ظرف یک ساعت عرض کردم این بودش که غذای روح شما که شما را به کمال می‌رساند و شما را رشد می‌دهد همان طوری که آب بدن انسان را زنده می‌کند بدن انسان را به رشد می‌رساند انسان زنده است به وسیله آب همان طور به وسیله ولایت الله، به وسیله ولایت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان عصمت علیهم السلام و حضرت بقیه الله ارواحنا فدای همین طور ان شاء الله رشد باید پیدا بکنید و این مهم‌ترین غذای ما است. امیدواریم خدای تعالی همه ما را از غذاهای روحی و معنوی که خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام برایمان از جانب

خدا که بهتر از مائده‌ای است که حتی بر حضرت مریم و
بنی اسرائیل نازل شد ان شاء الله بر ما نازل بشود به ما عنایت
بفرماید و به وسیله غذای روح مان از ظلمت به نور وارد بشویم و
خدای تعالی به ما کمک وافری بفرماید. «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ»